

اسرار پنج سال اول زندگی مشترک

کاش کسی این اسرار را به من گفته بود

روی پتیت فیلس

مترجم

زهرا حیدری

www.nashreghatib.com
info@nashreghatib.com
nash.ghatib@yahoo.com

Printed in the Islamic Republic of Iran

فهرست

- فصل اول: عبور از آستانه‌ی ازدواج و پدیدار شدن ویژگی‌های فردی..... ۹
- فصل دوم: الان صدایم را می‌شنوی؟ گفت‌وگوهای زن و شوهری ۲۵
- فصل سوم: زمان: رقابتی بسیار جذاب..... ۴۱
- فصل چهارم: تو مرا کامل می‌کنی: رابطه‌ی جنسی و ازدواج مذهبی..... ۵۷
- فصل پنجم: پول: بُت واقعی..... ۶۹
- فصل ششم: بچه‌دار شدن - شروع یک زندگی جدید..... ۷۹
- فصل هفتم: زندگی مشترک: حق با کیه؟ مقصر کیه؟..... ۹۵
- فصل هشتم: آرامش، همین حالا! هیچ چیز به اندازه‌ی خویشاوندان همسرتان
نمی‌تواند آن را از شما بگیرد..... ۱۱۳
- فصل نهم: برقراری تعادل بین زندگی شخصی و زندگی مشترک..... ۱۲۳
- فصل دهم: در بیماری و سلامتی، در سختی و خوشی..... ۱۳۷
- پایان: تا ابد باهم..... ۱۵۳
- یادداشت‌ها..... ۱۵۵
- منابع ترجمه..... ۱۵۹

فصل اول

عبور از آستانه‌ی ازدواج و پدیدار شدن ویژگی‌های فردی

زمان زیادی از تمام شدن ماه عسل ما نگذشته بود که متوجه شدم من و میندی بار اضافی زیادی به خانه آورده‌ایم و چمدان‌های مان پر از زلم زیمبو و وسایل غیر ضروری است. ظرف چند ماه اول متوجه شدیم که؛ روابط ما با اقوام و دوستان، توقعات ما و ارزش‌هایی که به آن‌ها اعتقاد داریم، به تدریج زندگی مشترک مان را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. متوجه شدیم که از یک‌دیگر و زندگی مشترک مان توقعاتی داریم که هرگز درباره‌ی آن‌ها صحبت نکرده‌ایم؛ و «مسائلی» وجود دارد که پیش از آن حتی از آن‌ها خبر هم نداشته‌ایم. این‌گونه بود که رفته رفته با جنبه‌هایی از شخصیت یک‌دیگر آشنا می‌شدیم که آرام آرام خود را نشان می‌دادند. وضعیت درست مثل این بود که انگار جن‌های کوچکی مدت‌ها مخفیانه در خانه‌ی ما زندگی کرده بودند و حالا

یکی یکی ظاهر می شدند و به ما «دالی» می کردند.

البته این شرایط فقط درباره‌ی ما صدق نمی کرد؛ در آغاز فیلم شِریک ۲، فیونا و شِریک، غول‌هایی که به تازگی با یکدیگر ازدواج کرده‌اند، درباره‌ی موضوعی باهم صحبت می کنند. ماجرا از این قرار است که پدر و مادر فیونا، یعنی شاه و ملکه‌ی سرزمین فار فار اوی، از آن‌ها دعوت کرده‌اند به سرزمین شان بروند تا شاه، ملکه و دیگر مردم آن سرزمین با شوهر او آشنا شوند و برای ازدواج آن دو جشن بگیرند. اما شِریک این دعوت را رد می کند و به همین دلیل بین آن‌ها بحث و اختلاف به وجود می آید و (در کمال تعجب می بینیم که) شاهزاده فیونا، شِریک را متهم می کند و به او می گوید که یک دیو است و شِریک هم در مقابل با تحکم جواب می دهد: «همینه که هست» و به همسرش می گوید خیال ندارد به خاطر هیچ کس خود را تغییر دهد. شاهزاده فیونا حرف آخر را می زند و به شِریک یادآوری می کند که به خاطر او در خودش تغییراتی داده است. فیونا ملتمسانه می گوید: «شِریک به اون وقت فکر کن» (اگر فراموش کردید باید یادآوری کنم که فیونا به خاطر عشق به شِریک از ظاهر زیبای انسانی خود گذشته و به شکل غول سبزرنگی درآمده بود).

همه‌ی زن و شوهرها این موضوع را تأیید می کنند که یک «غول» در وجود همسرشان هست که می خواهند آن را تغییر دهند. اما زمانی که این تغییر به آن سرعتی که می خواهیم یا به آن صورتی که انتظار داریم انجام نشود، به راحتی ناامید و دلخور می شویم. در روزهای اول آشنایی مان، همسرمان دائماً می گفت: «زنا با مردا ازدواج می کنن و انتظار دارن که مردا خودشونو تغییر بدن اما مردا تغییری نمی کنن، از طرف دیگه مردا با زنا ازدواج می کنن بی این که همچین توقعی داشته باشن ولی زنا خودشونو تغییر می دن!» حقایق بسیاری

پشت این جمله نهفته است. در حالت ایده‌آل ما با فرد به‌خاطر چیزی که هست ازدواج می‌کنیم نه به‌خاطر چیزی که بعد از تغییر، ممکن است بشود. به‌علاوه نباید هم فکر کنیم هیچ‌کس تغییر نمی‌کند. همه‌ی ما تا حدی تغییر می‌کنیم. با این‌که همه‌ی این تغییرات برای زندگی مشترک خوب و مفید نیستند، ولی باید همسرمان را بعد از تغییر کردنش هم بپذیریم. باید وقتی که تغییرات خوب و درست هستند از همسرمان حمایت کنیم و وقتی که تغییرات بد و نادرست هستند به‌آرامی با آن‌ها برخورد و مقابله کنیم. به‌علاوه رفتارهای خاص دیگری هم بود که در قرارها و دیدارهای قبل از ازدواج در دسرساز به‌نظر نمی‌رسید. مثلاً قبل از ازدواج وقتی به خانه‌ی همسر رفتیم «نگذاشتن در توالت فرنگی»، مشکل خیلی بزرگی به حساب نیامد اما بعد از سه ماه زندگی مشترک به دلیل این کار، من به «نمونه‌ی بارز» یک مرد بی‌ملاحظه تبدیل شدم.

انعطاف‌پذیری - نهمین موعظه‌ی عیسی

انعطاف‌پذیر شدن کار سختی است. اکثر افراد در مقابل تغییرات مقاومت نشان می‌دهند و این کاملاً عادی و طبیعی است، چرا که اگر ما هیچ‌وقت در برابر تغییرات مقاومت نشان ندهیم، شخصیت‌مان شکل نمی‌گیرد و در چنین صورتی دائماً شخصیت خود را طوری بازسازی می‌کنیم که دیگران از ما انتظار دارند. از طرف دیگر مقاومت خیلی شدید در برابر تغییرات نیز به همین اندازه نادرست و مشکل‌آفرین خواهد بود چرا که اگر هیچ‌وقت دست از مقاومت نکشیم، هرگز تغییر نمی‌کنیم و در چنین صورتی حفظ روابط برای مان بسیار مشکل و ادامه‌ی زندگی مشترک، غیرممکن خواهد بود.